



اولی الامر

کلید واژه : اولی الامر، اطاعت، معصوم
پرسش : اگر اطاعت از [اولی الامر](#) لازم است، چرا آنها [مرجع](#) حل نزاع نیستند؟
پاسخ :

فهرست مندرجات

- ۱- اطاعت از اولی الامر در قرآن
 - ۱.۱ - شبهه وجود تناقض در آیه
 - ۱.۲ - پاسخ شبهه از تفسیر نمونه
 - ۱.۳ - دیدگاه علامه طباطبایی
 - ۱.۴ - اولاد
 - ۱.۴.۱ - دوما
 - ۱.۵ - دیدگاه فخر رازی
- ۲- بانویس
- ۳- منبع

اطاعت از اولی الامر در قرآن

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ؛
[۱] [سوره نساء، آیه ۵۹](#)
ای کسانی که ایمان آورده اید! [اطاعت](#) کنید خدا را! و [اطاعت](#) کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را! و هر گاه در چیزی [نزاع](#) داشتید، آن را به خدا و [پیامبر](#) بازگردانید (و از آنها [داوری](#) بطلبید).»

← شبهه وجود تناقض در آیه

اولا آیا می توانیم مدعی وجود [تناقض](#) در [قرآن](#) شویم و آیا در این [آیه](#) تناقضی وجود دارد؟ در ابتدای آیه صریحا به اطاعت از اولی الامر دستور داده است. (فعلا کاری با مصداق اولی الامر نداریم) آیا ممکن است بگوییم در ادامه آیه سخن ابتدای آیه را نقض کرده است و وجود اولی الامر و کسی که باید از او اطاعت کرد را نفی کرده است؟ کسی که برای اثبات [تناقض](#) در قرآن شتاب نمی کند، باید در اینجا به دنبال راز این مساله باشد که چرا اولی الامری که باید از او اطاعت مطلق کرد، در نزاع ها مرجع حل اختلاف نیست؟

← پاسخ شبهه از تفسیر نمونه

تفسیر [نمونه](#) رمز مساله را این گونه بیان می کند: « منظور از اختلاف و [تنازع](#) در جمله فوق، اختلاف و تنازع در [احکام](#) است نه در مسائل مربوط به جزئیات [حکومت](#) و رهبری مسلمین، زیرا در این مسائل مسلما باید از اولو الامر اطاعت کرد (همانطور که در جمله اول آیه تصریح شده) بنا بر این منظور از آن اختلاف در احکام و [قوانین](#) کلی [اسلام](#) است که [تشریح](#) آن با [خدا](#) و [پیامبر \(ص\)](#) است زیرا می دانیم امام فقط مجری [احکام](#) است، نه قانونی وضع می کند، و نه [نسخ](#) می کند، بلکه همواره در مسیر [اجرای احکام](#) خدا و سنت پیامبر ص است، و لذا در احادیث [\[\[اهل بیتاهل بیت \(ع\)\]\]](#) می خوانیم که اگر از ما سخنی بر خلاف [کتاب](#) [الله](#) و سخن [پیامبر \(ص\)](#) نقل کردند هرگز نپذیرید، محال است ما چیزی بر خلاف کتاب [الله](#) و [سنت](#) [پیامبر \(ص\)](#) بگوئیم، بنا بر این نخستین مرجع حل اختلاف مردم در احکام و قوانین اسلامی خدا و پیامبر (ص) است که بر او [وحي](#) می شود و اگر امامان [معصوم](#) بیان حکم می کنند، آن نیز از خودشان نیست بلکه از کتاب [الله](#) و یا [علم](#) و دانشی است که از [پیامبر \(ص\)](#) به آنها رسیده است و به این ترتیب [علت](#) عدم ذکر اولو الامر در ردیف مراجع حل [اختلاف](#) در احکام روشن می گردد. »

[۱] [تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۴۸۸](#)

← دیدگاه علامه طباطبایی

[علامه طباطبایی](#) نیز در ذیل این آیه توضیحی می فرمایند که ابهام مطرح شده را حل می کند:

← **اولا**

«رسول گرامیش دو جنبه دارد، یکی جنبه **تشریح** ، بدانچه پروردگارش از غیر طریق قرآن به او وحی فرموده، یعنی همان جزئیات و تفصیل **احکام** که آن جناب برای کلیات و مجملات کتاب و متعلقات آنها تشریح کردند، و خدای تعالی در این باره فرموده: " وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ **سوره نحل، آیه ۴۴**»
ما کلیات احکام را بر تو **نازل** کردیم تا تو برای مردم جزئیات آنها را بیان کنی"

← **دوما**

یک دسته دیگر از احکام و آرایبی است که آن جناب به مقتضای ولایتی که بر مردم داشتند و زمام **حکومت** و **قضا** را در دست داشتند صادر می کردند، و خدای تعالی در این باره فرموده: " لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ؛ **سوره نساء، آیه ۵۵**»

تا در بین مردم به آنچه خدای تعالی به فکرت می اندازد حکم کنی". و این همان رأیی است که رسول خدا (ص) با آن بر ظواهر قوانین قضا در بین مردم حکم می کرد، و همچنین آن رأیی است که در امور مهم به کار می بست. و خدای تعالی دستورش داده بود که وقتی می خواهد آن رای را به کار بزند قبلا مشورت بکند، و فرموده: " وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ، فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ **سوره آل عمران، آیه ۱۵۹**»

، با مردم در هر امری که می خواهی در باره آن تصمیم بگیری نخست مشورت بکن و همین که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن".
ع ترجمه المیزان، علامه طباطبایی، ج ۴، ص ۶۱۸

فرق این دو مساله و دو گانگی آنها غیر قابل انکار است. چون پیامبر (ص) برای دستورات **شرعی** قسم اول هرگز با کسی **مشورت** نمی کرد و نباید می کرد.

← **دیدگاه فخر رازی**

در این جا به تناسب آیه کلامی از **فخر رازی** که یکی از اندیشمندان بسیار متعصب **اهل سنت** است، نقل می کنیم تا روشن شود مطلب آن چنان واضح است که هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند: « کسی که خدا اطاعت او را به طور قطع و بدون چون و چرا لازم بشمرد حتما باید **معصوم** باشد، زیرا اگر معصوم از خطا نباشد به هنگامی که مرتکب اشتباهی می شود خداوند اطاعت او را لازم شمرده، و پیروی از او را در انجام خطا لازم دانسته، و این خود يك نوع تضاد در حکم الهی ایجاد می کند، زیرا از يك طرف انجام آن **عمل** ممنوع است، و از طرف دیگر پیروی از " اولوا الامر" لازم است، و این موجب **اجتماع " امر "** و " **نهی "** می شود.
بنا بر این از يك طرف می بینیم خداوند اطاعت فرمان اولوا الامر را بدون هیچ قید و شرط لازم دانسته و از طرف دیگر اگر اولوا الامر معصوم از **خطا** نباشند چنین فرمانی صحیح نیست، از این مقدمه چنین استفاده می کنیم که اولوا الامر که در آیه فوق به آنها اشاره شده حتما باید معصوم بوده باشند»

ع تفسیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۱۴۴، چاپ مصر: سال ۱۳۵۷

پانویس

۱. [سوره نساء، آیه ۵۹](#)
۲. [تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۸۸](#)
۳. [سوره نحل، آیه ۴۴](#)
۴. [سوره نساء، آیه ۱۰۵](#)
۵. [سوره آل عمران، آیه ۱۵۹](#)
۶. [ترجمه المیزان، علامه طباطبایی، ج ۴، ص ۶۱۸](#)
۷. [تفسیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۱۴۴، چاپ مصر: سال ۱۳۵۷](#)

منبع

[سایت شهر سوال](#)